



۱۶ آذر جدالی برای حفظ تسلط چپ در دانشگاه

صفحه ۴

جمعه ما منتشر میشود



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran -
Hekmatist

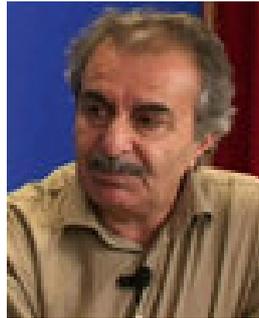
۱۹ آبان ۱۳۸۵ - ۱۰ نوامبر ۲۰۰۶

سردبیر: آذر مدرسی

www.hekmatist.com

کاشت در عراق، برداشت در آمریکا

(مضمون جهانی شکست انتخاباتی بوش)



fateh_sh@yahoo.com

فاتح شیخ

آمریکا بوده است، محصول جانبی بی افقی استراتژی "نظم نوین" است. در همین روزهای حساس، انتخاب مجدد اورتگا در نیکاراگوئه به رغم تهدیدات علنی دولت آمریکا نشانه صریح دیگری از افت هژمونی آمریکا در بیخ گوش آن کشور است.

بر متن ناراضی گسترده جهانی و بر بستر این مجموعه نگرانیهاست که هیات حاکمه آمریکا خود را ناگزیر دیده که در استراتژی میلیتاریستی "نظم نوین" بویژه به روایت نئوکنسرواتیوهای نظیر بوش و دیک چنی و تیم معروف رامسفلد، ولفویترز، خلیلزاد و ... تجدید نظر کند. کمیسیون متشکل از دموکراتها و جمهوریخواهان به ریاست جیمز بیگر برای تحقیق در مورد عملکرد دولت آمریکا در عراق قرار است فرمولبندی و دامنه این تجدید نظر را بدست بدهد. به احتمال زیاد دموکراتهای پیروز که کنترل کنگره و سنارا در اختیار گرفته اند، بر مبنای گزارش جیمز بیگر، از موضع قدرت و با پز تعهد به حفظ "منافع ملی" آمریکا در دوره دو ساله آتی روش سازشکارانه ای برای خارج کردن دولت آمریکا از باتلاق عراق در پیش خواهند گرفت و ضمنا خواهند کوشید برد خود در انتخابات ریاست جمهوری را هم تضمین کنند.

هیات حاکمه آمریکا پیشتر هم در سال ۱۹۹۲ برای بر کردن خلاء

رامسفلد در دل شلوغی انتخابات، چیزی جز اعتراف بوش به این بن بست نیست. تنها تبصره بوش اینست که "عراق مانند ویتنام نیست!" اینکه عراق به نمایشگاه خونین "نظم نوین" آمریکا بدل شده است، ابتدا برای بخش بزرگی از بورژوازی و هیات حاکمه آمریکا که پشت سیاست بوش در حمله به عراق رفتند عذاب وجدان ایجاد نکرده است. آنچه امروز باعث کنار کشیدن این بخش از بورژوازی و هیات حاکمه آمریکا از پشت بوش شده است، عملکرد او در به بن بست رساندن این استراتژی میلیتاریستی، نه فقط در عراق و خاورمیانه بلکه در مقیاس وسیعتری در برابر صیفندی کنونی قدرتهای بزرگ و کوچک جهان است. موقعیت جمهوری اسلامی و جریانات اسلامی در دوره پس از اشغال عراق قویتر شده است بطوریکه در مقابل تهدیدات آمریکا شانه بالا میاندازند. قداراست کردن مجدد روسیه بعنوان یک قدرت غیر قابل صرف نظر و ایستادگی آشکار آن، همراه با چین، در برابر سیاست آمریکا در جریان بحران هسته ای جمهوری اسلامی یک واقعیت است. مواضع متمایز اتحادیه اروپا و بویژه فرانسه در قبال هژمونی طلبی آمریکا یک واقعیت دیگر است. شکل گرفتن بلوکی از دولت‌های مخالف آمریکا در آمریکای لاتین، که تریخا حیاط خلوت انحصاری

رای نه مردم آمریکا به سیاستهای نظم نوین جهانی آمریکا و تاثیرات آن در جهان

محمود قزوینی

صفحه ۲

تعرض فاشیستی به کارگران افغانستانی، در سکوتی مرگبار و معنی دار!

خالد حاج محمدی

صفحه ۳

حکم اعدام صدام حسین گشایش باب دیگری از جنگ قومی و مذهبی در عراق

صفحه ۲

تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۵ و نیم تا ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران از کانال یک (شبکه هات برد) پخش میشود، تکرار برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس:

۰۰۶۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

parto.tv@gmail.com

بن بست استراتژی آمریکا نیز به اثبات ندارد. کنار رفتن فوری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ghazvini.m@gamil.com

رای نه مردم آمریکا به سیاستهای نظم نوین جهانی آمریکا و تاثیرات آن در جهان

محمود قزوینی

رامسفلد رهبر آرشیکتک حمله به عراق و یکی از افراطی ترین چهره های راست را برکنار کند. حزب دموکرات با گرفتن چهره انتقادی آشکارتر به سیاستهای بوش در عراق و خاورمیانه توانست حزب رقیب را شکست دهد و مجبور است به این انتقاد خود هم جامع عمل بپوشد. مردم آمریکا با انتخاب چهره های منتقد سیاستهای افراطی دولت بوش و محافل محافظه کار افراطی راست که از کاربرد بمب اتمی برای نشان دادن قدرتی آمریکا ابائی ندارند و با انتخاب منتقدین حمله نظامی و اشغال عراق و دیگر سیاستهای دولت بوش در راس مجلس نمایندگان، به دولت بوش و محافل محافظه کار افراطی در آمریکا افسار زدند.

با بن بست سیاسی و نظامی آمریکا در عراق، نابودی شیرازه اقتصادی و اجتماعی جامعه، فقر و گرسنگی و کشته شدن چند صد نفر در روز در اثر انفجار بمبهای اسلامیون و یا بمبارانهای ارتش آمریکا، سربر آوردن جنگهای قومی و مذهبی

از هم پاشیدگی کامل است، شکست اسرائیل و آمریکا در جنگ لبنان، تمایل بیش از پیش آمریکا برای سازش با جمهوری اسلامی بر سر مسئله هسته ای، به دست گرفتن ابتکار عمل در برخورد به ایران توسط کشورهای اروپایی، کله شقی و زیر بار نرفتن چین و روسیه در برابر سیاستهای آمریکا در خاورمیانه و در برخورد به جمهوری اسلامی، نر مخوتر و محتاط تر شدن آمریکا در برخورد به معضلات پیش رو، نافرمانی اتحادیه اروپا از آمریکا و... همه تغییر و تحولاتی بودند که میشد در ورای آن شکست سیاست نظم نوین جهانی را که بر قدرتی و نیروی نظامی متکی بود دید.

قرار بود آمریکا با سیاست تهاجمی نظامی در جهان پس از سقوط بلوک شرق، اقتدار و سرکردگی خود را علاوه بر قدرت اقتصادی خود حفظ کند تا در میان منت امکان آن را یابد تا حفظ سرکردگی نظامی برای سیاسی خود را به اهرمی برای پیش راندن قدرت اقتصاد خود به جایگاه سرکردگی به کار برد. این سیاست که نظم نوین جهانی نام گرفت در شروعش در گل نشست و راه به جانی نبرد.

چرخش سیاسی در آمریکا، سرآغاز چرخش سیاسی در جهان است. این چرخش عمیق تر هم خواهد شد. این چرخش چشم انداز حل برخی از مسائل

شکست حزب جمهوریخواه، حزب بوش در انتخابات کنگره آمریکا یک اتفاق مهم در صحنه سیاست جهانی است. این انتخابات بیش از آنکه انتخاباتی میان حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات باشد، رای نه مردم آمریکا به سیاستهای نظم نوین جهانی آمریکا است، به سیاست مبارزه با تروریسم، به سیاست تهاجم نظامی، به سیاست اشغال عراق، به سیاست آمریکا در خاورمیانه و مسئله فلسطین و... است.

رای نه مردم آمریکا به سیاستهای دولت بوش و سیاستهای مبارزه با ترور و نظم نوین جهانی آمریکا، هم نتیجه بن بست و شکست سیاسی و نظامی آمریکا در عراق و خاورمیانه است و هم تاثیرگذاری قوی در چرخش سیاستهای آمریکا و جلوگیری از قلندری و قدرتی آن در جهان دارد. در اولین قدم دولت بوش مجبور شد که دونالد

→ کاشت در عراق ...

سیاسی حاصل از بی افقی و بن بست جمهوریخواهان و بوش پدر، در پی جنگ اول خلیج، پیروزی انتخاباتی دموکراتها و کلینتن را ممکن کرده بود. اما شکاف کنونی در هیات حاکمه آمریکا بر سر پیشبرد استراتژی میلیتاریستی "نظم نوین"، هم عمیق تر از شکاف سال ۱۹۹۲ است و هم در شرایط جهانی به مراتب نامساعدتری از زاویه قلندرنشی آمریکا، مجدداً سر باز کرده است.

آنچه برای طبقه کارگر جهانی و نیروی عظیم بشریت از ادبخواه مهم است اینست که با درک روشن از معنی جهانی شکست انتخاباتی بوش و با استفاده از شکاف حاصل از به بن بست رسیدن قلندری نظامی آمریکا، سازمان دادن یک جنبش جهانی قدرتمند علیه استراتژی میلیتاریستی آمریکا و متحدانش را در دستور خود بگذارد و با نیروی متحد خود بکوشد که این بن بست را به شکست قطعی مبدل سازد و پرچم خروج انسانیت از دور باطل سناریو سپاه و بربریت حاصل از کشمکش قدرتهای امپریالیستی و جریان ریز و درشت ارتجاع سیاسی معاصر را برافرازد.

۹ نوامبر ۲۰۰۶

حکم اعدام صدام حسین

گشایش باب دیگری از جنگ قومی و مذهبی در عراق

دیروز ۵ نوامبر دادگاه دست نشانده رسیدگی به جرائم صدام حسین در عراق، وی را به اعدام با چوبه دار محکوم کرد.

این حکم ربطی به اجرای عدالت در عراق ندارد! این حکم پاسخی به کفرخواست میلیونی مردم عراق، کرد و عرب، شیعه و سنی، علیه جنایات صدام نیست! اولاً اعدام مجازات نیست انتقام و وسیله ارعاب است. ثانیاً صادر کنندگان و مجریان این حکم خود از مجرم ترین جنایت کاران تاریخ بشر هستند. بوش و بلر باید در کنار صدام به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. انتقام و ارعاب ناشی از اعدام صدام حسین نه تنها بر زخمها و دردهای قربانیان سرکوبها و جنایات دیکتاتور سابق مرهمی نخواهد گذاشت که باب دیگر در جنگ و آدم کشی قومی و مذهبی و قبیله ای و کشتار افسار گسیخته، در عراق و در خاورمیانه، را باز خواهد کرد.

اعدام دیکتاتور سابق عراق، توسط دیکتاتورهای کنونی آن، قرار است نقطه عطفی در پیروزی میلیتاریسم و ارتجاع امپریالیستی در این کشور و معنای "پیروزی" آمریکا باشد. این حکم نه معنای پیروزی مردم که قرار است معنای پیروزی حکامی باشد که خود کمتر از صدام پرونده جنایت علیه بشریت ندارند. حکم اعدام صدام، حکم مرعوب کردن هر جنبنده ای است که مهر "دشمنی" با آمریکا را بر پیشانی خورده است!

این حکم نباید اجرا شود. اعدام صدام نه تنها کمترین رگه ای از اجرای عدالت را همراه خود ندارد که بیش از پیش بین مردم عراق به خاطر تعلق مذهبی و قومی تفرقه و نفرت ایجاد میکند و به جنگ و آدم کشی عنان گسیخته قومی و مذهبی بیش از پیش دامن میزند.

دالت در عراق و رسیدگی به جرم همه جانیان علیه بشریت، صدام و بوش و بلر، تنها و تنها در دست بشریت متمنی است که علیه اعدام، علیه میلیتاریسم و لشکر کشی فاشیستی، علیه آدم کشان اسلامی و قومی به میدان آمده و قدرت را بدست گرفته است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۶ نوامبر ۲۰۰۶

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



khalidhaji@yahoo.com

تعرض فاشیستی به کارگران افغانستان، در سکوتی مرگبار و معنی دار!

خالد حاج محمدی

کامل، تلاش کرده اند از آنها به عنوان نیروی کار مفت و ارزان استفاده کنند و از این راه دستمزد و مزایای کل طبقه کارگر را پایین نگه داشته اند و بردگی مطلق را بر همه ما تحمیل کرده اند. امروز میخواهند اعتراض ما به فقر و محرومیت خود را علیه بخشی از خود ما به اسم "خارجی" بودن کانالیزه کنند. این حربه فاشیستی البته نه تازه است و نه نا آشنا. جمهوری اسلامی در این چند سال زیرکانه و با این جهت فاشیستی و ضد انسانی خود به اشاعه فرهنگ ناسیونالیستی دامن زده است و متأسفانه احساس انسانی در این جامعه را با سموم ملی و ناسیونالیستی و ضد "خارجی" رقیق و کم تاثیر کرده است.

در این تلاش ارتجاعی البته جمهوری اسلامی تنها نبوده است. کل مندیای نوکر و چاکر منش این دولت، بخش اعظم روزنامه نگاران و خبرنگاران کوته بین، بخش اعظم طیف دمکراسی طلبان و حقوق بشری های ریاکار را عملاً با خود داشته است. چند میلیون انسان کارگر در این مملکت، سالهاست در جهمی نگه داشته شده اند و روزانه مورد تعرض و تحقیر و اهانت و بی حرمتی قرار گرفته اند و کمتر حزب و جریان پوزسیون و اپوزیونی، کمتر روشنفکر کروات و مدافع دمکراسی و حقوق بشر و "مترن" و حتی "چپ" در این جامعه وجدانش به درد آمده است.

خیل شاعر و نویسنده و روشنفکر و متفکر ملی گرا و دگراندیش و روزنامه نگار و وکیلش در مقابل این توحش، خم به ابرو نیاورده اند. انگار اتفاقی نیفتاده است، انگار بسن مدرسه و بیمارستان و بازار و خیابان و کوچه و محله بر چند میلیون انسان اتقایی به حساب نمی آید. انگار خون دیگران از این بخش محروم طبقه کارگر، به جرم نام افغانی خارجی که بر پیشانی آنها به زور حک کرده اند، رنگین تر است. همه قلمها در بیان واقعه و خبر این ماجرا شکسته است. گوشها کر و چشمها کور شده اند. انگار کسی روزانه در خیابان صدای این خیل عظیم از انسان شریف و کار کن و صاحب درآمد و دارایی این مملکت را نمی شنود. همه در بیان ساده یک فاجعه عظیم انسانی لکنت زبان گرفته اند. تا بحث کارگر افغانی پیش میاد بخش اعظم طیف ملی

اضافه نمیشود؟ چرا نباید کارگران مراکز کلیدی به این توحش آشکار و این فاجعه دردناک اعتراض کنند، از رفقای خود دفاع کنند، ۲ ساعت از کار در ۴ مرکز کارگری در دفاع از همسروشان خود دست از کار بکشند؟ چرا کمیته دفاع از کارگران افغانی را تشکیل نمیدهند؟ نمیشود تعرض به یک کارگر افغانی در محل کار را با اعتراضی عمومی جواب داد و چنان جواب ندادن شکنی به مامورین رژیم داد که جرات دست درازی به شغل و امنیت زندگی کارگران افغانی نکند؟ این سکوت و قورت دادن حب ناسیونالیسم را باید در هم شکست!

در هم شکستن این سیاست ارتجاعی و ممانعت از یک تراژدی انسانی کار ما کمونیستها و آزادیخواهان، کار طبقه کارگر و فعالین کمونیست در این مملکت است. پاک کردن و زدودن سموم ناسیونالیستی بر بسنر تنگ نظری و فشار زندگی بر مردم محروم و کارگران و ستمیندگان در این مملکت کار ما است. تعرض به کارگران افغانستانی حمله به سطح معیشت و زندگی روزانه طبقه کارگر است. تلاشی برای ایجاد شکاف در صفوف ما به اسم ایرانی و افغانی است.

عامل بیکاری در این مملکت همکاران و همسروشان ما نیستند. اینها خود قربانیان فقر و محرومیت و بیرحمی جامعه سرمایه داری هستند. سکوت ما قابل بخشودنی نیست. باید در مقابل این توحش ایستاد و دست در دست همدیگر اتحادی طبقاتی ایجاد کرد. نباید تحمل کرد که در روز روشن یک دولت جنایتکار با سیاستی فاشیستی درصد بالایی از هم طبقه ایهای ما را به بهانه های پوچ و با انگ قومی و غیر ایرانی، آن هم تحت نام حل بیکاری روانه جهنم دیگری کنند و ما نظاره گر باشیم. هر کمونیست و انسان شریفی، هر کارگر آگاهی باید در فکر سازمان دادن مردم در دفاع از آنها باشد. کل فعالین حزب حکمتیست و هر انسان آزاده ای باید برای در هم شکستن این تلاش ارتجاعی و تبدیل آن به اعتراضی از جانب کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی، علیه فقر و بیکاری بکوشد. ریاکاری جمهوری اسلامی در این سنگر را باید برملا کرد. این بخش از همسهریان ما باید در میان آغوش گرم ما احساس امنیت و

قرار است این سکوت مرگبار احساس همسروشنی کارگری را هم با خود دفن کند؟ قرار است این موج فاشیستی کل طبقه کارگر را به سکوتی معنی دار بکشاند و فضای مسموم و ضد کارگری را حتی بر خود ما حاکم کند؟ این دیگر قابل تحمل نیست؟ چرا صدائی از کارگران و تشکلهای کارگری در اعتراض به این سیاست ضد انسانی و در تقابل با فضای ناسیونالیستی و حملات ارتجاعی رژیم اسلامی و دستگاه تبلیغی آن به هم طبقه ای هایمان در نمی آید؟ مگر رهبران کارگری و آیا تشکلهای آنان قربانی تبلیغ ناسیونالیستی رژیم شده اند؟ چرا دفاع از کارگران افغانی به مطالبات کارگران

آرامش برملا کرد. این بخش از همسهریان ما باید در میان آغوش گرم ما احساس امنیت و آرامش کنند. همراه آنها و به عنوان تنی واحد علیه این تعرض جامل گسیخته به کارگر و انسان کار کن در این جامعه باید ایستاد. در کارخانه و مدرسه و محله باید در مقابل تعرض به کارگران افغانستانی سدی ایجاد کرد، در میان خود باید پناهمان داد و اجازه نداد که پلیس و پاسدار و آخوند و وزارت کار و بقیه دم و دستگاه تحمیق و زور این دولت، به خود جرات دهند و به حقوق آنها دست درازی کنند.

نوامبر ۲۰۰۶

رای نه مردم

گرهی جهان معاصر مانند مسئله فلسطین را ممکن میسازد. امید به خاتمه اشغال عراق در جهان قوت میگیرد.

برای مردم ایران، شکست سیاست نظم نوین جهانی آمریکا و شکست معماران اصلی حمله به عراق و تهاجم نظامی در جهان و رای نه مردم آمریکا به آنها، معنای بسیار مشخص دارد. مردم آمریکا بیش از پیش سایه جنگ و حمله نظامی آمریکا را از بالای سر مردم کنار زدند. با کنار رفتن این فاکتور، فضا برای پیشروی مبارزه طبقه کارگر و مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی بیشتر فراهم میشود.

شکست سیاسی و نظامی آمریکا در جهان، شرایط مناسبتری را برای پیشروی طبقه کارگر در جهان فراهم میسازد. باید به وضعیت کنونی پایان داد که ارده مردم از لایبای احزاب و نمایندگان طبقات حاکمه و به شکل حفته شده جاری شود. خواست و اراده مردم جهان برای صلح، رفاه و آزادی و برابری فقط پارهای احزاب کارگری کمونیستی قوی در سطح جهان میتواند متحقق شود. رقابتهای امپریالیستی در جهان همیشه سایه جنگ امپریالیستی را بر فراز جهان باز نگه میدارد. فقط قدرت طبقه کارگر و مبارزه و انقلابهای کارگری میتواند جهان را از خطر جنگهای بی خاتمان دور و رها کند.

نوامبر ۲۰۰۶

به حکمتیست ها به پیوندید!

مصوبات کنگره اول حزب منتشر

شد!

این مصوبات در سایت زیر قابل

دسترسی است.

www.hekmatist.com/vige-kongreh1.htm

تماس با حزب

کوروش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

dara.biabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

نسان نودینیان دبیر کمیته خارج کشور

Nasan_nodinian@yahoo.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

بهرام مدرسی دبیر کمیته کل کشور

bahram-modarresi@freenet.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

اسد نودینیان روابط عمومی حزب

nodinyan_a57@yahoo.se

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۶۵۳۵۵۶۷

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

۱۶ آذر جدالی برای حفظ تسلط چپ در دانشگاه

اطلاعیه سازمان جوانان حکمتیست بمناسبت ۱۶ آذر

۱۶ آذر در چند سال گذشته روز ابراز قدرت رادیکالیسم و چپ در دانشگاه بوده است، واقعیتی انکار ناپذیر که لریزه بر اندام هر دو جناح حکومت و راست ناسیونالیست در اپوزسیون انداخت. این را ما چپ ها با برافراشتن پرچم آزادی و برابری در این روز به حکومت تحمیل کردیم. اما ۱۶ آذر امسال تفاوت های زیادی با دوره های پیش دارد. چرا که جمهوری اسلامی یک دست تر شده است، زندان و محرومیت های پیاپی دانشجویان بیشتر شده است و در مقابل این اتفاقات سطح توقعات و اعتراضات دانشجویی نیز بالا رفته است، با این تفاوت که شیوه های دست زدن به اعتراض و تعرض علیه رژیم عوض شده است.

۱۶ آذر روز یک جنگ واقعی است این را همه پذیرفته اند. اینکه در این روز می توانیم اعتراض وسیعی را سازمان دهیم یا نه، اینکه می توانیم بدون سرکوب، شعارهای رادیکال خود را به میان مردم ببریم یا نه بحث دیگری است که بستگی به شرایط و فاکتورهای متعددی دارد. اما برای ما کمونیستها ۱۶ آذر تنها به خیابان رفتن و شعار دادن نیست. مهم این است که در تدارک این روز ما بتوانیم به قدرت واقعی و اجتماعی خود پی ببریم بتوانیم همدیگر را پیدا کنیم، اتحادمان را بیشتر کنیم، توده دانشجوی معترض در دانشگاه را به زیر پرچم خود آوریم و جنبش اجتماعی چپ را بسوی ببریم که مدعی اول دست به دست کردن قدرت نه تنها در دانشگاه بلکه در جامعه هم باشد.

ما در این ۱۶ آذر مطالبات مشخصی داریم. بر افراشتن شعارهای رادیکال خواست لغو قانون ثبت نام نکردن دانشجویان سیاسی، خروج نیروهای نظامی از دانشگاه ها، لغو اپراتیو جنسی، آزادی بدون قید و شرط بیان که می شود حول آنها جمع شد و خود را سازمان داد.

پیروزی ما در این روز نه به تعداد نفرت اعتراض کننده که آن هم مهم است بلکه به شعار و مطالباتی است که مطرح می کنیم. مهم پرچمی است که برافراشته می شود و مهر خود را بر ۱۶ آذر خواهد زد. این یکی از شاخص های اصلی سنجش ما از پیشروی، در این روز است. فضای ملتهب اما ظاهر اراکت جامعه چشم به دانشگاه ها دوخته است. همه می خواهند ببینند آیا ترس راست جامعه از بازگشت شیخ لنین بر فراز ایران یک واقعیت است؟ انعکاس تصویر واقعی این حرکت به سازماندهی ندای آزادیخواهی و برابری طلبی ما در ۱۶ آذر بستگی دارد. دلخوری راست جامعه از احتمال کم شدن حمله آمریکا به ایران باعث ایجاد فعل و انفعالاتی در روش مبارزاتی شان شده است که شاید تسخیر ۱۶ آذر یکی از این معادلات باشد که قرار گذاشته اند تغییرش دهند. مزدوران حکومت در دانشگاه ها به همراه این اپوزیونی که تا چند روز پیش منتظر حمله آمریکا به ایران بود در یک ائتلافی غیر مستقیم در این ۱۶ آذر در مقابل ما خواهند ایستاد. درایت رهبران اعتراضات دانشجویی در خط دادن به شیوه سازمان دهی و اعتراض در ۱۶ آذر امری حیاتی برای در اقتدار ماندن هژمونی چپ در دانشگاه است.

سازمان جوانان حکمتیست دست در دست تمام جریانات و نیروهای پیشرو و رادیکال در این جامعه خود را آماده یک رودر رویی واقعی در این روز کرده است و از تمام جریانات و فعالین سیاسی می خواهد با اتحاد حول محور این شعارها:

- آزادی، برابری

- لغو اپراتیو جنسی

- خروج نیروهای انتظامی از دانشگاه ها

- لغو فوری احکام کمیته های انضباطی

- آزادی فوری زندانیان سیاسی

- آزادی بیقید و شرط بیان

- آزادی بیقید و شرط تشکل

- بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بالای ۱۶ سال

قدرت چپ و رادیکالیسم را در جامعه به رخ نیروهای سرکوب گر بکشند

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب:

www.hekmatist.com

www.jawanx.com

www.marxhekmatociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.com

www.hekmat.public-archive.net

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!